

تأثیر کیفیت حسابرسی بر بازده آتی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمد رمضان احمدی^۱، کامران جمالی^۲

چکیده: حسابرسی، اعتبار اطلاعات در دسترس استفاده کنندگان را افزایش می دهد و با افزایش کیفیت حسابرسی، کیفیت اطلاعات نیز افزایش می یابد. در واقع حسابرسی، موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیریت و استفاده کنندگان می شود، تا از این طریق استفاده کنندگان از گزارش های مالی، توانایی ارزیابی و پیش بینی عملکرد مالی شرکت را داشته باشند. این پژوهش به دنبال بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی با بازده آتی سهام است. نمونه آماری این پژوهش، اطلاعات صد شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، برای دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ بوده است. برای آزمون فرضیه های پژوهش، از تجزیه و تحلیل پنل استفاده شده است. یافته های پژوهش بیانگر وجود رابطه مثبت معناداری بین تخصص حسابرس و اندازه مؤسسه حسابرسی با بازده آتی سهام و وجود رابطه منفی معناداری بین دوره تصدی حسابرس و بازده آتی سهام بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

واژه های کلیدی: بازده آتی سهام، عدم تقارن اطلاعات، کیفیت اطلاعات، کیفیت حسابرسی.

۱. استادیار حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۰۹/۰۵

نویسنده مسئول مقاله: کامران جمالی

E-mail: Kamran.jamali67@gmail.com

مقدمه

سهام داران و سرمایه گذاران، همواره در پی اطلاعاتی هستند که آنان را در انتخاب بهترین سرمایه گذاری و مناسب ترین پورتفوی، یاری کند. یکی از مباحث مهمی که تصمیم های سرمایه گذاران را تحت تأثیر قرار می دهد، کیفیت اطلاعات حسابداری است.

پژوهشگران مالی، همواره به دنبال متغیرهایی هستند که بتوانند از طریق آنها، بازده سهام را برای دوره های آتی با درصد اطمینان بیشتری نسبت به متغیرها و مدل های قبلی پیش بینی کنند. شناسایی چگونگی واکنش بازار سهام به اطلاعات حسابداری، در تشخیص کارایی بازار سرمایه و همچنین ارزیابی سودمندی اطلاعات صورت های مالی اساسی، از اهمیت زیادی برخوردار است. پژوهش های تجربی نشان می دهند، ارقام حسابداری توانایی پیش بینی دارند و می توان ارزش پیش بینی کنندگی اطلاعات حسابداری را به منزله یکی از ویژگی های کیفی اطلاعات حسابداری پذیرفت (هندریکسن و بردا، ۱۹۹۱).

از سوی دیگر در سال های اخیر، سرمایه گذاران و سهام داران خود را در حصار از خبرها و آگهی های مربوط به انجام موارد خلاف قاعده در حسابداری گرفتار می بینند. این بی نظمی ها و موارد خلاف عرف حسابداری، اسامی متعددی چون حسابداری متهورانه، مدیریت سود، هموارسازی سود و حسابداری متقلبانه یا فریب آمیز به خود گرفته است (حساس یگانه، قاسم بولو، ۱۳۸۹)، به همین دلیل نیاز به حسابرس مستقل در چنین شرایطی ضرورت پیدا می کند. در واقع، حسابرسی نوعی نظارت در شرکت ها برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کنترل آزادی عمل مدیران در گزارشگری مالی است (هانون، جف، چن و لوبو، ۲۰۰۸).

بنابراین حسابرسی صورت های مالی، از مهم ترین ابزارهای حصول اطمینان از شفافیت اطلاعات مالی شرکت ها به شمار می رود (کاسترلا، فرانسیس و لویز، ۲۰۰۴) و موجب افزایش قدرت پیش بینی کنندگی اطلاعات حسابداری، مانند نسبت های مالی سود هر سهم می شود. بنابراین کیفیت این اطلاعات با کیفیت حسابرسی افزایش می یابد و بازده آتی که به پشتوانه این اطلاعات به دست می آید، به واقعیت نزدیک تر خواهد شد.

پیشینه مطالعات خارجی (بروسی، جان و تونی، ۲۰۰۷؛ فلاتح، ۲۰۰۶ و داس و پاندیت، ۲۰۱۰) و مطالعات داخلی (بادآور نهندی و تقی زاده، ۱۳۹۲؛ یعقوب نژاد و امیری، ۱۳۸۸ و نونهال نهر، جبارزاده و یعقوب پور، ۱۳۸۹) بر این نکته اشاره کرده اند که کیفیت حسابرسی، می تواند پیامدهایی چون افزایش کارایی سرمایه گذاری، قابلیت اتکای اقلام تعهدی و کیفیت سود را داشته باشد. با وجود این در میان پیشینه مطالعات، پژوهش جامعی در مورد تأثیر کیفیت حسابرسی بر بازده آتی سهام دیده نمی شود. پژوهش پیش رو، ادبیات مربوط به این حوزه را با

بررسی نقش مستقیم کیفیت حسابرسی بر بازده آتی سهام پوشش می‌دهد، تا بتواند شکاف موجود در ادبیات مالی را پر کند.

پیشینه پژوهش

مبانی نظری

چارچوب نظری حسابداری بر پایه پیش‌بینی میزان، زمان‌بندی و عدم اطمینان مربوط به جریان‌های نقدی، بنا شده است (هندریکسن و ون بردا، ۱۹۹۱). هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی با تعیین پیش‌بینی جریان‌های نقدی، به منظور هدف گزارشگری مالی، به‌طور تلویحی فرض کرده‌اند که استفاده‌کنندگان، از میان اطلاعات تهیه‌شده گزارشگری مالی، الگوی تنزیل جریان‌های نقدی مورد انتظار را به کار می‌برند (ولک و تیرنی، ۱۹۹۷)؛ به طوری که در مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای^۱، از ویژگی‌های سود برای ارزش‌گذاری سهام استفاده شده است (واتر و زیمرمن، ۱۹۸۶).

ارقام حسابداری درباره جریان‌های نقدی مورد انتظار اطلاعاتی را در اختیار قرار می‌دهند (هریشلیفر، کوی و سیوهانگ، ۲۰۰۹). بنابراین سود دوره جاری حسابداری، اطلاعاتی را در مورد جریان‌های نقدی جاری و مورد انتظار ارائه می‌کند و نرخ بازده مورد انتظار با ریسک و ریسک نیز با ارقام حسابداری، در ارتباط خواهد بود.

سرمایه‌گذاران از اطلاعات حسابداری برای پیش‌بینی بازده سهام استفاده می‌کنند. این اطلاعات عبارتند از: نسبت سود به قیمت، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار و نسبت سود تقسیمی به قیمت. از سوی دیگر، بر اساس فرضیه تمرکز بر سود^۲، سرمایه‌گذاران بر کلیت رقم سود تمرکز می‌کنند. جزء نقدی سود در مقایسه با جزء تعهدی، توان بیشتری در پیش‌بینی سود آینده دارد؛ اما سرمایه‌گذاران، سود تعهدی را مبنای تصمیم‌گیری برای پیش‌بینی بازده آتی قرار می‌دهند، اما انتظارات بیش‌ازحد خوش‌بینانه در خصوص سود آینده شرکت‌های با ارقام تعهدی زیاد و وجود انگیزه‌های مدیریت سود و دستکاری ارقام تعهدی، با اعلام سود آینده و برآورده‌نشدن انتظارات خوش‌بینانه از سود، قیمت‌گذاری اشتباه اولیه را اصلاح می‌کنند، در نتیجه این شرکت‌ها، بازده کمتری را در آینده به دست می‌آورند (هریشلیفر و همکاران، ۲۰۰۹).

با توضیحات ارائه‌شده در مورد اهمیت سود در پیش‌بینی بازده آتی، کیفیت سود حسابداری با مسائل و مشکلات نمایندگی زیر سؤال می‌رود؛ زیرا به دنبال آن مدیریت سود، دستکاری سود

1. Capital Asset Pricing Model
2. Earning fixation hypothesis

بیشتر اتفاق می افتد که موجب می شود میزان کیفیت اطلاعات حسابداری، به ویژه سود تعهدی کاهش پیدا کند و بازده مورد انتظار با واقعیت مغایرت داشته باشد.

ون استرلین (۲۰۰۸) معتقد است که وظیفه حسابرس، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع بین سهام داران و مدیران است. در مطالعه ای مشابه فرانسویس و ویلسون (۲۰۰۵) بررسی می کنند که هنگامی تقاضا برای کیفیت بالای حسابرسی زیاد است که هزینه های نمایندگی افزایش می یابد. بنابراین، افزایش کیفیت حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی را بین مدیران آگاه و عرضه کنندگان ناآگاه، به طور چشمگیری کاهش می دهد و در نتیجه، کیفیت اطلاعات حسابداری و مالی افزایش پیدا می کند.

از سوی دیگر مطالعات تجربی نشان می دهد که مدیران، اقلام تعهدی را به دلیل داشتن قابلیت اطمینان پایین، برای دستیابی به اهداف سودآوری دستکاری می کنند (کاهن، جایی و جان، ۲۰۰۸). این موضوع به قیمت گذاری نادرست اوراق بهادار می انجامد. در نتیجه، در آینده بازده پیش بینی شده با دریافت اطلاعات واقعی، تعدیل شده و موجب کاهش بازده می شود. بنابراین تنها کنترل های داخلی نسبتاً کارا و اثربخش حسابرسی با کیفیت، پایداری و قابلیت اطمینان سود تعهدی را بهبود می بخشد (دویلی و مسیوی، ۲۰۰۷). بنابراین با افزایش کیفیت حسابرسی، پایداری در اقلام تعهدی بیشتر می شود، از این رو بازده آتی که در سال های قبل به پشتوانه صورت های مالی حسابرسی شده حسابرسان متخصص و با کیفیت، پیش بینی شده است، به واقعیت نزدیک خواهد شد.

معیارهای کیفیت حسابرسی

اندازه مؤسسه حسابرسی

اندازه مؤسسه حسابرسی یکی از ویژگی هایی است که بر کیفیت حسابرسی اثر دارد. مؤسسه های حسابرسی بزرگتر، خدمات حسابرسی را با کیفیت بیشتری ارائه می کنند؛ زیرا علاقه مندند شهرت بهتری در بازار کار کسب کنند. این مؤسسه ها تلاش می کنند که کار را با کیفیت بالا انجام دهند؛ زیرا تصور بر این است که چنین مؤسسه هایی، به دلیل دسترسی به منابع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون های مختلف، خدمات حسابرسی را در اختیار قرار می دهند (دی آنجلو، ۱۹۸۱).

تخصص مؤسسه حسابرسی

حسابرسانی که در صنعت مورد نظر تخصص دارند، به دلیل داشتن توانایی بیشتر در شناسایی و برخورد با مشکلات ویژه آن صنعت، می توانند حسابرسی را با کیفیت بیشتری انجام دهند.

افزون بر این، هرچه موسسه حسابرسی تجربه بیشتری در صنعت خاصی کسب کند، به دلیل افزایش حسن شهرت، علاقه بیشتری به ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت برتر پیدا می‌کند (دان و مایه‌پی، ۲۰۰۴). حسابرسان متخصص، به دلیل برخورداری از دانش تخصصی از شرایط صنعت صاحب‌کار، توانایی بیشتری در ارائه حسابرسی با کیفیت‌تر برای کاهش ریسک اطلاعاتی دارند (چاس، ۱۹۹۹؛ دیفوند و روگان‌دن، ۲۰۰۲). با افزایش تخصص حسابرسان، توانایی او برای درک مشکلات صنعتی که صاحب‌کار در آن فعالیت می‌کند، افزایش می‌یابد و موجب می‌شود گزارش‌های مالی و اطلاعات حسابداری مطلوب‌تری ارائه شود.

دوره تصدی حسابرسان

در مورد تأثیر تداوم انتخاب حسابرسان بر کیفیت حسابرسی، دو دیدگاه وجود دارد. در یک دیدگاه اعتقاد بر این است که رابطه بلندمدت میان صاحب‌کار و حسابرسان، موجب نزدیکی بیش از حد آنان شده و این نزدیکی به استقلال حسابرسان و کاهش کیفیت حسابرسی آسیب می‌رساند. دیدگاه دیگر به مشکلات حسابرسی در سال‌های اولیه رابطه حسابرسان - صاحب‌کار اشاره می‌کند. در این دیدگاه، نداشتن آشنایی دقیق با مواردی چون نوع عملیات، سیستم حسابداری و ساختار کنترل داخلی شرکت مورد رسیدگی، افزون بر اینکه موجب افزایش هزینه‌های حسابرسی می‌شود، ممکن است بر احتمال دست‌نیافتن حسابرسان به اشتباه‌ها و تخلف‌های اساسی بیفزاید (کمران، ۲۰۰۵). بنابراین، در صورت تداوم انتخاب حسابرسان، اشتباه‌های احتمالی اطلاعات حسابداری به‌آسانی کشف و این عمل، موجب افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری و در نتیجه افزایش توان پیش‌بینی این اطلاعات می‌شود.

پیشینه تجربی

کیم، جان و فیرس (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که تفاوت اثربخشی مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ با مؤسسه‌های حسابرسی کوچک، از تضاد بین انگیزه مدیران شرکت‌ها و حسابرسان در گزارشگری نشئت می‌گیرد. آنان دریافته‌اند که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ در پیش‌گیری از دستکاری سود، نسبت به مؤسسه‌های کوچک اثربخشی بیشتری دارند که خود موجب افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری می‌شود. از این رو، توانایی پیش‌بینی‌کنندگی اطلاعات حسابداری برای بازده آتی افزایش می‌یابد.

ابراهیمی و سیدی (۱۳۸۷) در پژوهش خود، رابطه بین حسابرسان مستقل و نوع اظهار نظر حسابرسان را با مدیریت سود بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند، نوع مؤسسه حسابرسی با کیفیت اقلام تعهدی رابطه دارد و موجب کاهش دستکاری اقلام تعهدی می‌شود.

فلاتح (۲۰۰۶) در بررسی خود بیان کرد که بالا بودن دوره تصدی حسابرس، موجب افزایش شناخت و تخصص حسابرس در صنعت صاحب کار مربوط شده و موجب بالا رفتن سطح کیفیت حسابرسی خواهد شد.

چمبرز و پاین (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «کیفیت حسابرسی و ارقام تعهدی غیرعادی» به این نتیجه رسیدند، مقدار بازده عملیاتی مربوط به ارقام تعهدی غیرعادی با کیفیت حسابرسی رابطه منفی دارد. مؤسسه های حسابرسی در فرایند گزارشگری مالی نقش کلیدی ایفا می کنند. لی و رودن (۲۰۰۷) نشان دادند حسابرسی با کیفیت بالاتر، رابطه مثبت و معناداری با دقت پیش بینی بالاتر سود دارد. بنابراین، می توان انتظار داشت که مؤسسه های حسابرسی مشهور (بزرگ)، شرکت ها را به ارائه پیش بینی های دقیق تر سود ترغیب کنند. سرمایه گذاران با پیش بینی سودی که مدیریت ارائه می کند، اقدام به پیش بینی بازده می کنند؛ هرچه کیفیت حسابرسی افزایش یابد، کیفیت اطلاعات حسابداری افزایش می یابد، بنابراین پیش بینی که به پشتوانه این اطلاعات در مورد بازده صورت می گیرد، از خطای کمتری برخوردار است.

هودج و هوبکین (۲۰۰۰) در پژوهشی نشان دادند که واکنش بازار نسبت به گزارش های مالی صاحب کارانی که حسابرس آنان شهرت بیشتری داشته باشد، مثبت بوده است.

چان و لویز (۲۰۰۶) رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری را با بازده آتی سهام بررسی کردند و نشان دادند کیفیت اطلاعات حسابداری با حجم زیاد ارقام تعهدی کاهش پیدا می کند و موجب می شود، بازده سهام شرکت ها در دوره های پس از گزارشگری اطلاعات مالی کاهش یابد. این یافته ها نشان می دهد، سرمایه گذاران زمانی که به کیفیت پایین سود شرکت پی می برند، قیمت سهام آن را متناسب با این موضوع تعدیل می کنند. با آگاهی از ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری و بازده آتی سهام، می توان به این نتیجه رسید که کیفیت حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می دهد و اطمینان سرمایه گذاران را نسبت به صحت اطلاعات آتی افزایش می دهد.

کالین و خان (۲۰۱۳) در پژوهش خود، به بررسی کیفیت اطلاعات حسابداری و تأخیر در اثرگذاری این اطلاعات بر قیمت سهام و رابطه آن با بازده آتی سهام پرداختند. آنان بیان کردند که هرچه کیفیت حسابداری کاهش پیدا کند، میزان ارتباط و قابل اتکا بودن آن کاهش پیدا می کند و به دنبال آن، دقت پیش بینی جریان های نقدی و بازده، برای سرمایه گذاران کاهش می یابد.

بادآور و تقی‌زاده (۱۳۹۲) رابطه بین کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه‌گذاری را بررسی کردند. نتایج نشان داد که کیفیت حسابرسی با بهبود محیط اطلاعاتی و کاهش انتخاب نادرست و خطر اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های مدیریت، به اثربخشی تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری مدیریت در بهبود پروژه‌ها و در نهایت به کارایی سرمایه‌گذاری‌های شرکت کمک می‌کند. مجتهدزاده و آقایی (۱۳۸۳) عوامل تأثیرگذار بر کیفیت حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. آنها معیارهایی چون، سطح دوره‌های آموزشی ضمن کار و داشتن تخصص در صنعت، اعتبار و شهرت صاحب‌کار و مواردی دیگر را عوامل تأثیرگذار بر کار حسابرسی و کیفیت آن می‌دانند. نونهال‌نهر و همکاران (۱۳۸۹) رابطه بین کیفیت حسابرسی و کیفیت ارقام تعهدی را مورد بررسی قرار دادند و بیان کردند، شرکت‌هایی که حسابرسی آنها را حسابرسی با کیفیت بالاتر انجام داده‌اند، در مقایسه با شرکت‌هایی که حسابرسی آنها به‌دست حسابرس‌هایی با کیفیت پایین‌تر انجام شده است، دارای ضریب پایداری ارقام تعهدی بیشتری بوده و در نتیجه قابلیت اتکای ارقام تعهدی بالایی دارند. ملکیان، معین‌الدین و کلانتری (۱۳۹۰) رابطه کیفیت حسابرسی و اختلاف قیمت خریدوفروش سهام را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش بیانگر این مسئله است که بین مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی و اختلاف قیمت پیشنهادی خریدوفروش سهام، رابطه معنادار وجود ندارد؛ اما بین تعداد سال‌های متوالی حسابرسی و اختلاف قیمت پیشنهادی خریدوفروش سهام، رابطه منفی و معنادار وجود دارد. این پژوهش با توجه به مطالعات فرناندو، الدر و عبیل (۲۰۰۸) و چن و هوپ (۲۰۱۱)، از متغیرهای کنترلی متفاوتی استفاده کرده است.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به اینکه هدف این پژوهش، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر بازده آتی سهام در شرکت‌های بورسی است، فرضیه‌های پژوهش به‌صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: بین اندازه مؤسسه حسابرسی و بازده آتی سهام تعدیل‌شده براساس اندازه شرکت، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین تخصص مؤسسه حسابرسی و بازده آتی سهام تعدیل‌شده براساس اندازه شرکت، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین تداوم مؤسسه حسابرسی و بازده آتی سهام تعدیل‌شده براساس اندازه شرکت، رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش پیش رو بر اساس هدف، از نوع توصیفی و براساس ماهیت و روش، از نوع همبستگی است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر می‌تواند در فرایند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران مورد استفاده قرار گیرد، از نوع پژوهش‌های کاربردی به‌شمار می‌رود.

در این پژوهش برای تدوین مبانی نظری پژوهش، از کتاب‌ها و مجله‌های تخصصی فارسی و لاتین استفاده شده است و برای گردآوری داده‌های آن، از لوح‌های فشرده بایگانی تصویری و آماری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه رسمی شرکت بورس اوراق بهادار تهران و دیگر پایگاه‌های اینترنتی مرتبط، اطلاعات حسابداری شرکت‌های بورسی و دیگر منابع اطلاعاتی استفاده شده است. در این مرحله پس از جمع‌آوری داده‌های آماری، برای جمع‌بندی و محاسبات مورد نیاز، از نرم‌افزار اکسل و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار ای. ویو نسخه ۶ استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ هستند که برای انتخاب نمونه، از کل داده‌های در دسترس استفاده شده است. در گام اول، تمام شرکت‌هایی که می‌توانستند در نمونه‌گیری شرکت کنند، انتخاب شدند. در گام دوم، از بین کلیه شرکت‌های موجود، شرکت‌هایی که واجد هر یک از شرایط زیر نبوده‌اند، حذف شده و در نهایت شرکت‌های باقی‌مانده برای انجام آزمون انتخاب شده‌اند:

- سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد.
- جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (بانک‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و لیزینگ) نباشد.
- کلیه داده‌های مورد نیاز پژوهش برای شرکت‌های مورد بررسی موجود باشد.
- معاملات سهام شرکت طی دوره پژوهش، بیش از ۳ ماه در بورس اوراق بهادار متوقف نباشد.

در نهایت صد شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌های مورد بررسی این پژوهش را تشکیل دادند.

مدل و متغیرهای پژوهش

مدل رگرسیونی رابطه بین معیارهای کیفیت حسابرسی و بازده آتی سهام:

$$SRET_{t+1} = \gamma_0 + \gamma_1 SIZE_{it} + \gamma_2 BVMV_{it} + \gamma_3 SPEC_{it} + \gamma_4 TENURE_{it} + \gamma_5 ASIZE_{it} + v_{t+1} \quad \text{مدل (۱)}$$

متغیر وابسته

بازده خام: عبارت است از کلیه عوایدی که در یک سال برای صاحب سهم ایجاد می‌شود و متأثر از دو عامل افزایش قیمت هر سهم و سود نقدی است. بازده سهام هر شرکت، هر سال از اول ماه پنجم، بعد از سال مالی تا پایان ماه چهارم سال بعد، محاسبه می‌شود.

بازده تعدیل‌شده بر اساس اندازه^۱: بازده خرید و نگهداری تعدیل‌شده، بر اساس اندازه برای سهم i از اول ماه پنجم بعد از پایان سال مالی تا ماه m (که در اینجا ۱۲ ماه است)، از رابطه ۱ به‌دست می‌آید.

$$SRET_{im} = \prod_{t=1}^m (1 + R_{it}) - \prod_{t=1}^m (1 + R_{st}) \quad \text{رابطه ۱}$$

R_{st} : بازده موزون پرتفوی مبتنی بر اندازه که شرکت به آن تعلق دارد؛

R_{it} : بازده سهام شرکت i در زمان t .

پرتفوی‌های مبتنی بر چارک اندازه شرکت‌ها

پرتفوی‌های اندازه براساس چارک اندازه شرکت‌ها تشکیل شده است. گفتنی است که اندازه، براساس ارزش بازار شرکت‌های موجود در نمونه (قیمت روز سهام شرکت ضرب در تعداد سهام)، در تاریخ ۳۱ تیرماه هر سال محاسبه شده است. شرکت‌ها براساس اندازه، به‌صورت صعودی مرتب شده‌اند و سپس با سه نقطه به چهار قسمت مساوی تقسیم می‌شوند که هر قسمت را یک دامنه چارکی می‌گویند. عضویت در هر کدام از چهار پرتفوی، با اندازه ارزش بازار شرکت موجود در نمونه، در تاریخ ۳۱ تیرماه هر سال مشخص می‌شود، محل چارک a براساس رابطه ۲ محاسبه می‌شود.

$$C_{Qa} = \frac{a.n}{4} + \frac{1}{2} \quad \text{رابطه ۲}$$

بازده ماهانه هر چارک نیز از روابط ۳ و ۴ به‌دست می‌آید.

$$R_{st} = \sum_{i=1}^n X_{i,t} R_{i,t} \quad \text{رابطه ۳}$$

1. Size – adjusted buy and hold return

$X_{i,t}$: وزن شرکت i در پرتفوی اندازه‌های که به آن تعلق دارد. این مقدار از تقسیم اندازه بازار شرکت i به کل ارزش بازار پرتفوی محاسبه می‌شود؛
 $R_{i,t}$: بازده شرکت i در زمان t .

$$X_{i,t} = \frac{P_{i,t}}{\sum_{i=1}^n P_{i,t}} \quad \text{رابطه (۴)}$$

$P_{i,t}$: ارزش بازار سهام منتشره موجود شرکت i در بورس؛

n : تعداد شرکت‌های تشکیل دهنده پورتفوی P ؛

$R_{i,t}$: بازده سهم i در ماه t است که با استفاده از قیمت بازار سهام شرکت در اول و آخر هر ماه و نیز، منافع مالکیت سهام‌دار در آن ماه به دست می‌آید (رابطه ۵).

$$R_{i,t} = \frac{(1+\alpha)P_{i,t} - P_{i,t-1} - \alpha\beta + (1+\alpha) D_{i,t}}{P_{i,t-1} + \alpha\beta} \quad \text{رابطه (۵)}$$

$P_{i,t}$: قیمت سهم شرکت i در ماه t ؛

$P_{i,t-1}$: قیمت سهم شرکت i در ماه $t-1$ ؛

$D_{i,t}$: سود نقدی هر سهم شرکت i در ماه t ؛

α : درصد سهام جایزه شرکت i ؛

β : مبلغ اسمی هر سهم شرکت i .

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل این پژوهش به شرح زیر است:

اندازه مؤسسه حسابرسی: اندازه مؤسسه حسابرسی یک متغیر موهومی است که اگر شرکت از سوی سازمان حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد (یگانه، بولو و فرخ نژاد، ۱۳۸۹).

تخصص حسابرس در صنعت: این پژوهش سهم بازار را شاخصی برای اندازه‌گیری تخصص صنعت مؤسسه حسابرسی استفاده کرده است (سان و لیو، ۲۰۱۳؛ اعتمادی، محمدی و ناظمی، ۱۳۸۸؛ فورمن، ۲۰۰۶)؛ زیرا اولویت صنعت را نسبت به دیگر حسابرسان نشان می‌دهد. هرچه سهم بازار مؤسسه حسابرسی بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه آن نسبت به دیگر رقبا بیشتر است. سهم بازار مؤسسه حسابرسی از رابطه ۶ و به شرح زیر محاسبه می‌شود:

تأثیر کیفیت حسابرسی بر بازده آتی سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در ... ۱۱

مجموع دارایی‌های تمام صاحب‌کاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص، تقسیم بر مجموع دارایی‌های صاحب‌کاران در این صنعت (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۸).

$$MS_{ik} = \frac{\sum_{j=1}^{J_{ik}} TA_{ijk}}{\sum_{i=1}^{I_k} \sum_{j=1}^{J_{ik}} TA_{ijk}} \quad \text{رابطه ۶}$$

MS_{ik} : سهم بازار مؤسسه حسابرسی i در صنعت k ؛

TA : مجموع دارایی‌های صاحب‌کاران؛

i : نماد مؤسسه حسابرسی؛

j : نماد شرکت صاحب‌کار؛

k : نماد صنعت مورد نظر؛

J_{ik} : نماد تعداد صاحب‌کاران مؤسسه حسابرسی i در صنعت k ؛

I_k : نماد تعداد مؤسسه‌های حسابرسی در صنعت k است.

با پیروی از سان و لیو (۲۰۱۳) و اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸)، این پژوهش مؤسسه‌هایی را متخصص صنعت (با نماد SPEC) در نظر گرفته است که سهم بازارشان بر اساس رابطه ۶ در رابطه ۷ برقرار باشد:

$$MS_{ik} > \frac{1}{N_K} \times 1.2 \quad \text{رابطه ۷}$$

در رابطه ۷؛ N_K : تعداد شرکت‌های موجود در صنعت k است. بنابراین، اگر شرکت از سوی مؤسسه حسابرسی متخصص صنعت حسابرسی شده باشد $SPEC = 1$ و در غیر این صورت $SPEC = 0$ خواهد بود.

دوره تصدی حسابرسی: میزر (۱۹۹۷) بر این باورند که تداوم انتخاب حسابرسی، تعداد سال‌های پیاپی است که یک حسابرسی مسئولیت حسابرسی یک شرکت را برعهده می‌گیرد. برای گردآوری اطلاعات تداوم انتخاب حسابرسی، از گزارش‌های حسابرسی شرکت‌ها استفاده می‌شود. با توجه به در دسترس بودن این گزارش‌ها از سال ۱۳۷۶، این سال به‌منزله سال پایه انتخاب شده است.

متغیرهای کنترلی

انتخاب متغیرهای کنترلی، بر اساس مطالعات پیشین پژوهشگرانی چون ریچاردسون، اسلون و سلیمان (۲۰۰۵)، بیدل و هیلاری (۲۰۰۶)، داس و پاندیت (۲۰۱۰) و چن و همکاران (۲۰۱۱)

انجام گرفته است. این متغیرهای کنترلی شامل محرک‌های بالقوه بازده آتی سهام است که در ادامه آورده شده است:

اندازه شرکت: از طریق ضرب تعداد سهام شرکت در پایان سال، در قیمت بازار پایان دوره آن، پس از لگاریتم‌گیری در مبنای عدد طبیعی، محاسبه می‌شود.

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار: از طریق تقسیم نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت، به ارزش بازار سهام منتشرشده در پایان سال محاسبه می‌شود.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

برای در اختیار قرار دادن نمایی کلی از خصوصیات مهم متغیرهای محاسبه‌شده، در جدول ۱ برخی از مفاهیم آمار توصیفی این متغیرها، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و اکثر مشاهدات درج شده است. میانگین و میانه متغیر بازده آتی $-1/07$ و $-1/6$ است. میانگین و میانه تخصص حسابرس $0/07$ و $1/00$ به دست آمده و نشان می‌دهد ۷ درصد شرکت‌های نمونه انتخابی، به دست حسابرسان متخصص در صنعت حسابرسی شده‌اند. تداوم انتخاب حسابرس با میانگین و میانه $6/13$ و $6/00$ نشان می‌دهد به طور متوسط، دوره انتخاب حسابرس ۶ سال است. از آنجاکه متغیر موهومی (صفر و یک) است، آمار توصیفی برای میانگین و میانه اندازه حسابرس، بی‌معناست.

جدول ۱. آمار توصیفی

اندازه	بازده تعدیل شده بر اساس اندازه	تخصص	تداوم حسابرس	اندازه مؤسسه حسابرس	ارزش بازار سرمایه	نسبت ارزش دفتری به بازار
میانگین	-1/079956	0/0786	6/131034	0/372414	1211268	0/714402
میانه	-1/166392	1/0000	6/0000	0/0000	356220	0/578608
بیشینه	1/852659	1/0000	13/0000	1/0000	20454000	3/37644
کمینه	-2/292314	0/0000	1/0000	0/0000	11542/32	-0/325471
انحراف معیار	0/596357	0/3300	4/12647	0/484283	2872813	0/500645

تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌گونه که در بخش‌های پیش نیز بیان شد، هدف این پژوهش، بررسی تأثیر معیارهای کیفیت حسابرسی، بر بازده آتی سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار ایران است. در همین راستا با توجه به میانی نظری مطرح‌شده، الگویی متشکل از یک سری متغیر مستقل و کنترل تدوین شد که در ادامه به آزمون آن پرداخته می‌شود. برای تعیین نوع روش داده‌های ترکیبی از آزمون‌های چاو و آزمون هاسمن استفاده می‌شود. آزمون چاو برای مدل تلفیق‌شده در برابر مدل اثر ثابت به کار می‌رود. آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از مدل اثر ثابت در مقابل اثر تصادفی انجام می‌شود. این آزمون برپایه وجود یا عدم وجود ارتباط بین خطای رگرسیون برآورده‌شده و متغیرهای مستقل مدل شکل گرفته است؛ اگر چنین ارتباطی وجود داشته باشد، مدل اثر ثابت کاربرد دارد. نتایج حاصل از آزمون اف. لیمر در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون چاو

شرح	آماره اف.	مقدار احتمال
آزمون چاو	۱/۴۸۳۰۷۹	۰/۰۲۳۲

همان‌طور که مشاهده می‌شود با توجه به سطح معناداری به دست آمده از جدول ۲، نتیجه این آزمون بیانگر آن است که مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی بوده، بنابراین استفاده از روش‌های داده‌های تابلویی برای هر سه مدل مناسب‌تر است. در نتیجه استفاده از الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در اولویت قرار دارد. اینک باید آزمون هاسمن را برای انتخاب روش برتر از میان روش‌های داده‌های تابلویی با اثرات ثابت، در مقابل روش داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی به کار گرفت. نتایج حاصل از آزمون هاسمن در جدول ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون هاسمن

شرح	آماره آزمون	مقدار احتمال
آزمون هاسمن برای بررسی مدل اول	۱۹/۵۱۰۸۱۴	۰/۰۰۱۵

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در اولویت قرار دارد. در ادامه نتایج برآورد الگوی پژوهش در جدول ۴ با روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش

متغیر وابسته: بازده آتی سهام			
$SRET_{t+1} = \gamma_0 + \gamma_1 SIZE_{it} + \gamma_2 BVMV_{it} + \gamma_3 SPEC_{it} + \gamma_4 TENURE_{it} + \gamma_5 ASIZE_{it} + v_{t+1}$			
آزمون داده‌های ترکیبی			متغیر توضیحی
P – value	آماره تی.	ضریب	
۰/۰۰۰۰	۲۳/۵۹۹۹	۱/۲۱۷۹۴	عرض از مبدا
۰/۰۴۰۶	۲/۰۹۶۵۷۹	۰/۱۰۹۷۵۵	تخصص حسابرس
۰/۰۴۱۸	۲/۰۷۴۲۳۶	-۰/۰۱۵۳۷	تداوم حسابرس
۰/۰۳۴۸	۲/۱۲۳۵۶	۰/۰۸۴۲۰۰	اندازه حسابرس
۰/۰۰۷۰	۲/۷۲۲۵۶	۷/۳۱۰۸	اندازه شرکت
۰/۰۰۰۰	-۸/۱۰۳۳۷۴	-۰/۲۸۹۱	ارزش دفتری به ارزش بازار
	۲/۸۱۲۰۸۱		آماره اف.
	۰/۰۰۰۰۰		P-value
	۰/۴۳۴۴۰۸		R ²
	۰/۳۷۹۹۲۹		R ² تعدیل شده
	۲/۴۵۶۳۸۲		آماره دوربین واتسون

بر اساس نتایج برآورد شده از مدل، می‌توان نتیجه گرفت که مدل پژوهش معنادار است؛ زیرا مقدار سطح معناداری (P-Value = ۰/۰۰۰) آماره اف. کمتر از ۵ درصد است. در نتیجه، حتی در سطح اطمینان ۹۹ درصد نیز معنادار بودن مدل پذیرفته می‌شود. همچنین، با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون مدل که در جدول ۴ آمده است، می‌توان نتیجه گرفت که مدل پژوهش مشکل خودهمبستگی ندارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر با ۰/۳۸ است. این آماره نشان می‌دهد که حدود ۳۸ درصد تغییرات متغیر وابسته را متغیرهای مستقل می‌تواند توصیف کند. ادامه با توجه به تأیید شدن آماره‌های مدل، فرضیه‌های پژوهش بررسی خواهد شد.

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که بین تخصص حسابرس در صنعت و بازده آتی سهام در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران در سطح خطای ۵ درصد، رابطه معناداری وجود دارد. ضریب تخصص حسابرس در این مدل، بر اساس مبانی نظری مثبت (۰/۱۰۹۷۵۵) است. نتایج بیانگر این است که بین تخصص حسابرس و بازده آتی شرکت رابطه مثبتی وجود دارد. در نتیجه شرکت‌هایی که از سوی مؤسسه‌های متخصص حسابرسی می‌شوند، بازده

پیش‌بینی‌شده آنها با بازده آتی، انحراف کمتری دارند. آنان وجود حساب‌برسان متخصص را معیاری برای کیفیت گزارشگری مالی و پشتوانه قوی کیفیت اطلاعات برای پیش‌بینی بازده مورد انتظار می‌دانند.

همچنین نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که بین اندازه مؤسسه حسابرسی و بازده آتی سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران در سطح خطای ۵ درصد، رابطه معناداری وجود دارد. ضریب اندازه مؤسسه حسابرسی در این مدل، بر اساس مبانی نظری مثبت (۰/۰۸۴۲۰۰) است. نتایج بیانگر این است که بین اندازه مؤسسه حسابرسی و بازده آتی شرکت، رابطه مثبتی وجود دارد. در نتیجه شرکت‌هایی که از سوی مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی می‌شوند، بازده پیش‌بینی‌شده آنها با بازده آتی، انحراف کمتری دارند. آنان معتقد هستند که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ، به دلیل حفظ حُسن شهرت خود، موجب کاهش ریسک اطلاعاتی و افزایش کیفیت گزارشگری می‌شوند که در نتیجه، سرمایه‌گذاران نسبت به بازده آتی و صحت آن اطمینان پیدا می‌کنند.

بر اساس نتایج جدول ۴، بین تداوم انتخاب حسابرس و بازده آتی سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران در سطح خطای ۵ درصد، رابطه منفی معناداری وجود دارد. ضریب تداوم انتخاب حسابرس در مدل مقدار $-۰/۰۱۵۳۷$ به دست آمده است. نتایج بیان می‌کند که با افزایش تداوم حسابرسی، بازده آتی سهام نیز کاهش می‌یابد. بنابراین بر اساس دیدگاه اول تداوم حسابرس، رابطه بلندمدت میان صاحب‌کار و حسابرس، موجب نزدیکی بیش‌ازحد آنان شده و این نزدیکی، به استقلال حسابرس آسیب‌رسانده و موجب کاهش کیفیت حسابرسی شده است که نتیجه آن، کاهش قدرت پیش‌بینی‌کنندگی اطلاعات حسابداری برای بازده آتی است. مثبت بودن ضریب اندازه شرکت، نشان‌دهنده رابطه مستقیم با بازده آتی است و منفی بودن ضریب نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، رابطه معکوس با بازده را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در پژوهش حاضر، کیفیت حسابرسی که موجب افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری می‌شود، به مدل‌های پیش‌بینی بازده اضافه شده است تا به سرمایه‌گذاران در انتخاب پرتفوی مناسب کمک شود. از شاخص تخصص حسابرس در صنعت، اندازه مؤسسه حسابرسی و تداوم انتخاب حسابرس، در تعیین کیفیت حسابرسی استفاده شد. نتایج حاصل‌شده حاکی از این است که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ، به دلیل برخورداری از منابع، امکانات و شهرت بیشتر، خدمات حسابرسی را با کیفیت بیشتری انجام می‌دهند و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی و قدرت

پیش‌بینی‌کنندگی این گزارش‌ها برای بازده آتی، افزایش خواهد یافت که با نتایج فورمن (۲۰۰۶) و داس و پاندیت (۲۰۱۰) مطابقت دارد.

حسابرسان متخصص در یک صنعت، به دلیل شناختی که از پیچیدگی صنعت دارند، نقش نظارتی و اطلاعاتی بارزتری نسبت به مؤسسه‌های دیگر دارند و می‌توانند اطلاعات قابل‌اتکاتری را برای پیش‌بینی بازده آتی برای سرمایه‌گذاران ارائه کنند. این نتیجه نیز با نتایج مطالعه فرناندو و همکاران (۲۰۰۸) همخوانی دارد.

تداوم انتخاب حسابرس به دلیل ایجاد روابط نزدیک با صاحب‌کار و کاهش استقلال حسابرس، موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود و در نتیجه بر بازده آتی تأثیر منفی خواهد گذاشت؛ زیرا کیفیت پایین گزارش‌های مالی و انگیزه‌های سود جویانه مدیران، موجب کاهش کارایی شرکت در آینده می‌شود و به افزایش انحراف بین بازده مورد انتظار و بازده آتی می‌انجامد. نتایج مطالعات کاسترلا و همکاران (۲۰۰۲) با نتایج این پژوهش همخوانی دارد، اما نتیجه مطالعه نکل و ون استرلین (۲۰۰۷) در مورد دوره تصدی حسابرس با نتیجه این پژوهش همسو نیست.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، می‌توان معیارهای کیفیت حسابرس را معیاری منطقی برای اتکا به اطلاعات حسابداری دانست. به این ترتیب، بازده‌ای که با کمک اطلاعات حسابداری از سوی حسابرسان متخصص و مشهور پیش‌بینی می‌شود، به واقعیت نزدیک‌تر خواهد شد، اما این موضوع در مورد دوره تصدی حسابرس صدق نمی‌کند.

پیشنهادهای حاصل از نتایج پژوهش

۱. به مدیران و مسئولان سازمان بورس و اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود تا در راستای کاهش مشکلات نمایندگی، مدیریت سود و بهبود پیش‌بینی بازده آتی، راه‌کارهایی عملی درپیش گیرند و نظارت بیشتری بر کیفیت حسابرسی داشته باشند.
۲. یافته‌های پژوهش نشان داد، افزایش روابط بلندمدت حسابرس با صاحب‌کاران موجب کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود. با توجه به این یافته می‌توان به مجامع عمومی شرکت‌ها پیشنهاد کرد، طی سال‌های متمادی، از حسابرسان متفاوتی برای حسابرسی صورت‌های مالی استفاده کنند.
۳. با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان پیش‌بینی کرد، مؤسسه‌های حسابرسی با شهرت و اعتبار بالا، سبب افزایش قابل ملاحظه‌ای در کیفیت گزارشگری مالی می‌شوند. بنابراین می‌توان به مجامع عمومی شرکت‌ها پیشنهاد کرد که از مؤسسه‌های حسابرسی مشهور و معتبر برای حسابرسی شرکت استفاده کنند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

۱. با توجه به اینکه کیفیت حسابرسی، به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین گروه‌های مختلف ذی‌نفع منجر می‌شود، پیشنهاد می‌شود ارتباط بین کیفیت حسابرسی و هزینه‌های استقراض مورد بررسی قرار گیرد.
۲. به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر بازده آتی با توجه به معیارهای دیگری چون استقلال و نوع اظهار نظر حسابرسان، پرداخته شود.

محدودیت‌های پژوهش

۱. با توجه به در دسترس نبودن اطلاعات کافی در مورد مؤسسه‌های عضو جامعه حسابداران رسمی در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰، فقط سازمان حسابرسی برای معیار اندازه مؤسسه حسابرسی انتخاب شد و مؤسسه‌های بزرگ جامعه حسابداران رسمی در این طبقه‌بندی، در دسته مؤسسه‌های کوچک قرار گرفت.
۲. از آنجا که صد شرکت برای نمونه انتخاب شد، این احتمال وجود دارد که نمونه‌های انتخابی معرف کل صنایع شرکت‌های بورسی نباشد، بنابراین امکان دارد مؤسسه‌ای در صنعت متخصص باشد، ولی به دلیل وجود تعداد کم شرکت‌های آن صنعت در نمونه، حسابرسان متخصص اعلام نشود.

منابع

- ابراهیمی، ک.؛ سیدی، ع. (۱۳۸۷). نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۰ (۳): ۱۶-۳.
- اعتمادی، ح.، محمدی، ا. و ناظمی اردکانی، م. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرسان و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱ (۱): ۳۲-۱۷.
- بادآورنهندي، ی.؛ تقی‌زاده، خ. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه‌گذاری. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۰ (۲): ۴۲-۱۹.
- حساس‌یگانه، ی.؛ بولو، ق.؛ فرخی‌نژاد، ف. (۱۳۸۹). رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و گزارش حسابرسان. دانش حسابرسی، ۱۰ (۳): ۳۰-۲۱.
- مجتهدزاده، و.، آقایی، پ. (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۱ (۳۸): ۵۳-۷۶.

ملکیان کلهبستی، ا.؛ معین الدین، م. و کلانتری، ا. (۱۳۹۰). رابطه کیفیت حسابداری مستقل و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۱۹ (۶۶): ۸۰-۶۹.

نونهال نهر، ع.؛ جبارزاده، س. و یعقوب پور، ک. (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی. فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۱۷ (۶۱): ۶۸-۵۳.

یعقوب نژاد، ا.؛ امیری، م. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت گزارش های حسابداری و تأثیر عوامل مذکور بر ضریب همبستگی تغییرات قیمت و تغییرات سود سهام. پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، ۱ (۱): ۷۴-۵۵.

Biddle, G. & Hilary, G. (2006). Accounting quality and firm-level capital investment. *The Accounting Review*, 81 (5): 963-982.

Bruce, B. & Jong, H. & Tony, K. (2007). Audit Quality and Properties of Analyst Earning Forecasts. *Social Science Research Network*, 24 (7): 600-623.

Cahan, S., Jayne, G. & Jane, H. (2008). Auditor Specialization, Auditor Dominance, and Audit Fees: The Role of Investment Opportunities. *The Accounting Review*, 83(6): 1393-1423.

Callen, J. & Khan, M. (2013). Accounting Quality, Stock Price Delay and Future Stock Returns. *Temporary Accounting Research*, 30(1): 269-295.

Cameran, M. (2005). Audit fees and the large auditor premium in the Italian market. *International Journal of Auditing*, 21(9): 129-46.

Casterella, J. & Francis, B. & Lewis. (2004). Auditor industry specialization, client bargaining power, and audit pricing. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23 (1): 123-140.

Chambers, D., Payne, J. (2008). Audit Quality and Accrual Reliability: Evidence from the Pre-and Post-Sarbanes-Oxley Periods. Working Paper. Available at SSRN: <http://ssrn.com>, abstract=1136787.

Chan, K. & Louis, K. (2006). Earning Quality and Stock return. *Journal of Business*, 79(3): 193-228.

Chase, B.W. (1999). The influence of auditor change and type on audit fees for municipalities. *Research in Governmental and Nonprofit Accounting*, 3(10): 49-63.

Chen, F. & Hope, O. (2011). Financial Reporting Quality and Investment Efficiency of Private Firms in Emerging Markets. *The Accounting Review*, 86 (4): 1255-1288.

- Das, S. & Pandit, SH. (2010). Audit Quality, Life-Cycle Stage and the management earnings forecasts in IPO prospectuses. *Journal of Business Finance & Accounting*, (30): 125-167.
- DeAngelo, L. E. (1981). Auditor Size and Audit Quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3(3): 183-199.
- DeFond, M.L. & Raghunandan, K. and Subramayam, K.R. (2002). Do non-audit service fees impair auditor independence? Evidence from going concern opinions. *Journal of Accounting Research*, 40(4): 47-74.
- Doyle, J., Ge, W. and McVay, S. (2007). Accruals quality and internal control over financial reporting. *The Accounting Review*, 82(5):1141-1170.
- Dunn K. & Mayhew, M. (2004). Audit firm industry specialization and client disclosure quality. *Review of Accounting Studies*, 9 (1): 35 - 58.
- Fallatah, Y. (2006). The Role of Asset Reliability and Auditor Quality in Equity Valuation: A dissertation of the requirements for the degree of Doctor or Philosophy. Florida Atlantic University; Available at UMI Microform.
- Fernando, G.D. & Elder, R.J. & Abdel-Meguid, A.M. (2008). Audit quality attributes, Client size and Cost of capital. Available at: <http://ssrn.com/abstract=817286>.
- Francis, J. & Wilson, E. (2005). Auditor changes: A joint test of theories related to agency costs and auditor differentiation. *The Accounting Review*, 63 (4): 663-682.
- Fureman, R. (2006). Comparing the Auditor Quality of Arthur Andersen to that of the Big 4, *API*, 6: 1-10.
- Hanwen, C., Jeff, Z., Chen, G., Lobo, W. (2008). Effects of Audit Quality on Cost of Equity Capital and Earnings Management: Evidence from China. Available in <http://www.SSRN.com>.
- Hendriksen, E. and Van Breda, M. (1991). *Accounting Theory*, Southern Methodist University; Illinois USA.
- Hirshleifer, D., Kewei, H. and SiewHong, T. (2009). Accruals, cash flows, and aggregate stock returns. *Journal of Financial Economics*, 91(3): 389-406.
- Hodge, F. & Hopkins, P. & Pratt, J. (2000). Classification Discretion, Reporting Reputation, and Disclosure Credibility: The Case of Hybrid Securities, Working Paper, *Indiana University*.

- Kim, J., Chung, R. & Firth, M. (2003). Auditor Conservatism, Asymmetric Monitoring and Earnings Management, *Contemporary Accounting Research*, 20(2): 323- 359.
- Knechel, W. R. & Vanstraelen, A. (2007). The relationship between auditor tenure and audit quality implied by going concern opinions, *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 26(1): 113–31.
- Lee, B. & Roden, D. (2007). Have the Big accounting firms lost their audit quality advantage: evidence from the returns earnings relation, *Journal of Forensic Accounting*, 64(1): 66-73.
- Moizer, P. (1997). Auditor Reputation: the international Empirical Evidence. *International Journal of Auditing*, 22(4): 61-74
- Richardson, S. A. & Sloan, R.G., Soliman, M. T., Tuna, A.I. (2005). Accrual reliability, earnings persistence and stock prices. *Journal of Accounting and Economics*, 39(3):437-485.
- Sun, J. & Liu, G. (2013). Auditor industry specialization, board governance and earnings management. *Managerial Auditing Journal*, 28 (1): 45-64.
- Vanstraelen, A. (2008). Impact of renewable long-term audit mandates on audit quality. *The European Accounting Review*, 9(3): 419-443.
- Watts, R. & Zimmerman, J. (1986). *Positive Accounting Theory*, New Jersey, USA: Prentice Hall.
- Wolk, H.I. & Tearney, M.G. (1997). *Accounting Theory: A Conceptual and Accounting Theory: A Conceptual and Institutional Approach*, Fourth Edition. Ohio, USA: Cincinnati: South-Western College Publishing.